

پدرکشی در توهّم شیشه!

اختصاصی خراسان



متهم به پدر کشی

با اشاره او به پدرم حمله کردم و سر او را زیر ضربات مشت و لگد گرفتم و با زانویم نیز به سرش کوبیدم تا جان داد. او همچنین در باره خراشیدگی های وحشتناک اندام خودش نیز گفت: برخی از موکلان کافر به من حمله کردند و مرا به این روز انداختند!

این جوان شیشه ای در پاسخ به سوال دیگر قاضی صفری که چه ساعتی پدرت را کشتی؟ ادامه داد: بگذارید چشم هایم را ببندم تا از موکلانم بپرسم!... او بعد از چند ثانیه پلک هایش را گشود و گفت: موکلانم می گویند «ساعت ۸:۳۰ صبح بود!»

بنابر گزارش خراسان، با توجه به زخم های شدید روی بدن متهم که بر اثر خارش های شدید ناشی از توهّم ایجاد شده بود، وی با دستور قضایی روانه مرکز درمانی شد و گروه ویژه ای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی نیز ماموریت یافتند این ماجرای تلخ را مورد کنکاش های جنایی قرار دهند. این در حالی بود که تحقیقات کارآگاهان نشان داد: جوان مذکور چند روز قبل نیز تحت تأثیر همین توهّمات، برادرش را با ضرب چاقو مجروح کرده است. بررسی های بیشتر در این باره توسط کارآگاهان پلیس جنایی ادامه دارد.

سجاد پور - جوان ۳۳ ساله ای پدر پسرش را تحت تأثیر توهّم ناشی از استعمال مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه در حالی زیر ضربات مشت و لگد به قتل رساند که مدعی شد: «موکلم به من گفت پدرت مرا کافر کرده است!»

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این حادثه دلخراش ظهر روز گذشته هنگامی فاش شد که جوانی با ورود به منزل پدرش در شهرک طرق مشهد با صحنه وحشتناکی روبه رو شد. پدر ۸۵ ساله این جوان در حالی با ضربات متعدد و مهلک به ناحیه سر، جان خود را از دست داده بود که بررسی ها نشان داد برادر معتادش تحت تأثیر توهّم ناشی از مصرف شیشه، دست به چنین جنایت هولناکی زده است. چند دقیقه بعد با حضور قاضی ویژه قتل عمد در صحنه حادثه، تحقیقات قضایی آغاز و پسر ۳۳ ساله مقتول بازداشت شد.

واکاوی های میدانی قاضی دکتر صادق صفری مشخص کرد که «هادی - م» (متهم به قتل) در حالی هنوز تحت تأثیر توهّمات شیشه ای قرار دارد که همه بدن خود را نیز خراشیده بود. او در پاسخ به سوال قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد که پرسید: چرا پدرت را کشتی؟ گفت: یکی از موکلانم به من گفت که پدرت مرا کافر کرده است! من هم



حضور قاضی صفری در صحنه جنایت

در بازجویی های تخصصی پلیس فاش شد

رمزگشایی از سرقت های باند «کلاف کش ها»

شناسایی و اسنادمذکور زیر در بین تحقیقات ویژه قرار گرفت. تحقیقات بیشتر نشان داد که اسناد مذکور مربوط به چند شرکت بازرگانی خصوصی در مشهد است.

با شناسایی مالکان دو شرکت تجاری و حضور آن ها در کلانتری شهرک ناجا مشخص شد که شرکت های مذکور حدود یک ماه قبل و در فاصله کارت های یکدیگر مورد دستبرد قرار گرفته اند و سارقان چند میلیون تومان اموال شرکت مانند رایانه، لپ تاپ، ارزهای خارجی، پنکه، ابزار، و جوه نقدی، دسته چک ها و... را به سرقت برده اند. با رمزگشایی از این سرقت ها پرونده اعضای این باند، در حالی پیچیده تر شد که یکی از متهمان ادعا کرد در سرقت از شرکت های خصوصی افراد دیگری نیز نقش داشتند بنابراین بررسی های پلیس با هماهنگی های قضایی برای دستگیری دیگر افراد مرتبط با این باند همچنان ادامه دارد.

عقب گذاشته بود. در همین حال ماموران انتظامی با مال باخته تماس گرفتند و از او خواستند برای شناسایی اموال سرقتی به کلانتری برود! طولی نکشید که راننده پژو ۲۰۶ تصویر لوازم سرقتی خود را در گوشی تلفن سارق جوان شناسایی کرد و این گونه تحقیقات پلیس وارد مرحله جدیدی شد. متهم به سرقت که دیگر با دستورات ویژه قضایی خداینده (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفته بود با لورفتن تصاویر اموال سرقتی اعضای دیگر باند «کلاف کش ها» را لو داد و ادعا کرد که کف کش و باندهای مذکور را به یکی از مالخران حرفه ای در منطقه قاسم آباد فروخته است اما خودش در بولوار نجف سکونت دارد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است: دقایقی بعد افسران ورزیده دایره تجسس با کسب دستورات ورود به

مخفیگاه از مقام قضایی، به طرف بولوار نجف حرکت کردند و در غریبه ای را در یک مخفیگاه دزد مذکور دستگیر کردند که به همراه همسر صیغه ای وی در حال استعمال مواد مخدر صنعتی بودند. با انتقال دو متهم به کلانتری، شگرد عملیات برای دستگیری مالخر تغییر کرد بنابراین گروهی از نیروهای انتظامی به سرپرستی سروان سیفی (رئیس دایره تجسس) در حالی عازم بولوار امامیه شدند که سر کرده باند «کلاف کش ها» برای تحویل تعداد دیگری اموال سرقتی با مالخر قرار صوری گذاشته بود. هنگامی که مالخر صدای سارق را از آیفون شنید بی درنگ کلید بازگشایی در مجتمع مسکونی را فشرده و بدین ترتیب نیروهای تجسس در چند ثانیه خود را به مقابل واحد آپارتمانی مالخر رساندند اما او که متوجه

نامحسوس کلانتری شهرک ناجا که در اطراف بولوار وکیل آباد در حال انجام وظیفه بودند بی درنگ عازم خیابان شریف شدند و دزد ۳۷ ساله را به همراه مانیاتور کشف شده به دایره تجسس انتقال دادند. این سارق جوان مدعی بود که برای اولین بار قصد سرقت مانیاتور را داشته که در چنگ ماموران انتظامی گرفتار شده است اما تجربه افسران تجسس با توجه به شگرد کلاف کشی (کج کردن در خودروها) نشان می داد که او از دزدان حرفه ای است و به صورت بانندی فعالیت می کنند. به همین دلیل گروهی از نیروهای تجسس با راهنمایی و نظارت مستقیم سرهنگ محمد فیاضی (رئیس کلانتری شهرک ناجا) تحقیقات گسترده ای را با بازایی تماس ها و فضاهای مجازی گوشی متهم آغاز کردند. کنکاش های پلیس بیانگر آن بود که «محمد - ر» (سارق دستگیر شده) چند ساعت قبل از سرقت یک دستگاه کف کش و دو دستگاه باند خودروی پژو ۲۰۶ را از طریق فضای مجازی به یک مالخر فروخته است. با به دست آمدن این سرخ مهم دیگر نیروهای انتظامی تر دیدی نداشتند که بایک باند حرفه ای دستبرد به خودروها، روبه روده اند.

چرا که چند ساعت قبل از این ماجرا، راننده یک دستگاه پژو ۲۰۶ نیز با مراجعه به دایره تجسس کلانتری از سرقت باندهای خودرو و یک دستگاه کف کش خبر داد که در صندوق

سیدخلیل سجاد پور - اعضای یک باند پنج نفره «کلاف کش ها» که با کج کردن در خودروهای پارک شده، قطعات و اموال داخلی آن ها را می ربودند در حالی با تلاش نیروهای کلانتری شهرک ناجا مشهد دستگیر شدند که راز دستبرد به شرکت های خصوصی را نیز فاش کردند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، چند روز قبل رهگذرانی در خیابان شریف مشهد، دزد پروویی را دیدند که در روز روشن با کج کردن کلاف در خودروی راننا مشغول سرقت مانیاتور تصویری است و هیچ توجهی هم به نگاه های حیرت انگیز شهروندان ندارد. در همین حال یکی از رهگذران با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و بدین ترتیب نیروهای گشت



سرکرده باند کلاف کش ها

عکس اختصاصی خراسان



بخشی از لوازم سرقتی کشف شده

اسیدپاشی هولناک به دختر جوان در «طرشت»

محل حادثه حاضر شده بودند بلافاصله اقدامات درمانی را آغاز کردند و متوجه شدند این زن جوان قربانی اسیدپاشی، از ناحیه دست، بدن و صورت دچار سوختگی سطحی شده است. ماموران پلیس که در تحقیقات ابتدایی به وجود دور بین مدار بسته در محل وقوع جرم پی برده بودند به بازبینی فیلم آن پرداختند و لحظه به لحظه صحنه اسیدپاشی را مشاهده کردند و در ادامه موفق به شناسایی مرد جنایتکار شدند. تیم پلیسی در گام بعدی با بررسی های مقدماتی و تحلیل های اطلاعاتی مخفیگاه متهم، ادر شهرک مسکونی دانشگاه تهران در محله طرشت ردیابی کردند. همین کافی بود تا ماموران کلانتری با دریافت مجوز های لازم قضایی از بازپرس جنایی راهی محل مدنظر شوند و در یک عملیات ضربتی مرد اسیدپاش را که با چاقو به ماموران پلیس حمله ر شده بود، دستگیر کنند. متهم سابقه دار پس از انتقال به اداره پلیس در بازجویی های فنی به جرم اسیدپاشی به دختر جوان اعتراف و اظهار کرد بر اثر توهّم ناشی از مصرف مواد مخدر «شیشه» اقدام به اسیدپاشی کرده است. با دستور بازپرس کشیک دادسرای ناحیه (۲۷) امور جرایم جنایی متهم برای کشف زوایای پنهان پرونده در اختیار کارآگاهان اداره شانزدهم قرار گرفت و حال عمومی دختر جوان مساعد گزارش شده است.

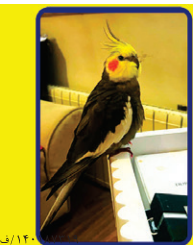
یک دختر جوان در محله «طرشت» قربانی اسیدپاشی شد.

به گزارش تسنیم، ساعت ۱۹:۳۰ دوشنبه ۲۱ شهریورماه جاری، فریادهای دلخراش «کمک کمک» دختر جوان در محله طرشت جنوبی توجه اهالی محله را جلب کرد.

خیلی زود مردم برای کمک رسانی به سمت این دختر جوان رفتند و متوجه شدند وی دقایقی قبل هدف اسیدپاشی از سوی یک موتورسوار قرار گرفته است که در ادامه این موضوع راه مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ گزارش دادند.

با اعلام این خبر، تیمی از ماموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان با هماهنگی تلفنی با بازپرس کشیک دادسرای امور جرایم جنایی راهی محل حادثه شدند

و تحقیقات ابتدایی را آغاز کردند. ماموران کلانتری در تحقیقات میدانی پی بردند، یک مرد جوان با موتور سیکلت سبزرنگ با انگیزه نامشخص به طرف زن جوان اسیدپاشی کرده و متواری شده است. امدادگران اورژانس که همزمان با ماموران پلیس در



۱۲۰

باند سارقان مسلح شرق کشور متلاشی شد

اند. وی با بیان این که در این زمینه یک دستگاه خودرو توقیف شد و متهمان با قرار بازداشت موقت روانه زندان شدند، خاطر نشان کرد: اعضای این باند همچنین سابقه چندین فقره سرقت گسترده احشام را نیز در پرونده خود به ثبت رسانده اند. دادستان کهنوج به مرتکبان جرایم خشن، به ویژه سارقان مسلح هشدار داد: اغلب این نوع اقدامات و سرقت های توام با خشونت و به کارگیری سلاح، مشمول ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی (محرابه) خواهد بود.

دادستان کهنوج همچنین از رسیدگی ویژه و خارج از نوبت به پرونده های مربوط به جرایم خشن در این دادسرا خبر داد و گفت: به هیچ عنوان به سارقان به عنف، مقرون به آزار و مسلحانه و دارای سابقه سرقت، مرخصی از زندان اعطا نخواهد شد.

یک پرنده عروس هلندی طوسی رنگ

حوالی دانشجو، وکیل آباد از تاریخ ۶/۲۰ کم شده از

یابنده تقاضا میشود به شماره ۰۹۱۵۵۱۵۸۳۷۰ تماس

گرفته و مؤدگانی فوق العاده دریافت نماید.

(این پرنده صرفا بدلیل وابستگی خانواده می باشد)



عکس متعلق است به خانم عصمت نریا که از تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ از منزل خارج و تاکنون بازنگشته، کسانی که از نامبرده اطلاعی دارند یا شماره های زیر تماس حاصل نمایند. ۰۹۱۵۴۴۰۸۲۹ ۰۹۱۵۴۴۰۳۴۱-۳۶۵۳۳۴۶

۰۲-۱۸۶۹-۱۲

در امتداد تاریکی

در مخمصه پول شویی!

من فقط تحت تأثیر رفتارهای اجتماعی آن زن جوان قرار گرفته بودم و خیلی دوست داشتم با او معاشرت کنم اما نمی دانستم او عضو یک باند تبهکاری است که در زمینه پول شویی فعالیت دارندو....

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات دختر ۲۰ ساله ای است که به اتهام عضویت در باند کلاهبرداری شناسایی و به دایره تجسس کلانتری احمدآباد مشهد احضار شده بود. این دختر جوان که حتی معنای کلمه پول شویی را هم نمی دانست با راهنمایی افسر تجسس به دایره مددکاری فرستاده شد و با چشمانی اشکبار به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: حدود دو ماه قبل که با مادرم به سفر شمال رفته بودیم با او آشنا شدم. آن زن جوان حدود ۳۰ سال داشت و آن قدر خوش مشرب بود که من و مادرم به شدت جذبش شدیم. بسیار مهربان، اجتماعی، کاررا انداز و خوش برخورد بود به گونه ای که از همان ابتدای آشنایی عاشقش شدم چون خیلی در سفرهای ما را داشت. بعد از برگشت از شمال هم خیلی سعی می کرد خواسته های ما را برآورده کند به همین دلیل رفت و آمد و معاشرت ما زیادتر شد. گاهی رفتارهای مشکوک و کارهای خلاف از او می دیدم و با افرادی که معقول و موجه نبودند معاشرت داشت اما چون خیلی مهربان بود، جذبش شده بودم.

با این که حدود ۱۰ سال از من بزرگ تر بود ولی حس می کردم خیلی همدیگر را می فهمیم. او در منطقه دیگری از مشهد سکونت داشت ولی باز هم مدام به منزل ما می آمد تا با یکدیگر به گشت و گذار برویم و بدین ترتیب اعتماد مرا به طور کامل جلب کرد. مدتی بعد یکی روز که با هم بیرون رفته بودیم، به من گفت بر ایم مشکلی پیش آمده و چون کارت بانکی ام سوخته است دچار مخمصه شدم. سپس از من خواست چند روزی کارت بانکی ام را در اختیارش بگذارم. من هم کارت بانکی ام را که موجودی چندانی نداشت در اختیارش قرار دادم اما آخرش متوجه پیامک و اریز و جبه به حسابم شدم که مبلغ قابل توجهی بود.

بعد از چند دقیقه ۳ میلیون تومان از آن پول، به کارت دیگری انتقال یافت. خیلی تعجب کردم و با خودم گفتم راضیه دوباره به کارهای خلاف رو آورده است. چند بار با او تماس گرفتم ولی جواب نداد. فرادای آن روز از من خواست یا کارت بانک ملی ام را در اختیارش بگذارم یا تا بانک برای برداشت کامل پول همراهی اش کنم ولی من به خاطر امتحانانم نتوانستم به بانک بروم. با این حال در همان چند روزی که کارت دستش بود هر روز ۳ میلیون برداشت می کرد. هنوز مقداری پول داخل کارت بود که موضوع را با مادرم در میان گذاشتم، مادرم به من گفت خیلی سریع کارت را مسدود کنم و موضوع را با پلیس در میان بگذارم. من هم کارت را سوزاندم ولی چون خیلی راضیه را دوست داشتم، موضوع را با پلیس مطرح نکردم.

وقتی راضیه متوجه مسدودی حساب از سوی من شد، با عصبانیت و وحشتناک و لحن بدی که تا به حال از او ندیده بودم با من برخورد کرد. او به من گفت که چرا مانع انتقال پول ها شدی؟ پول ها را پدرم برایم واریز کرده بود ولی من حرف هایش را باور نمی کردم. چند روزی هم از او هیچ خبری نداشتم و نمی دانستم کجاست تا این که امروز صبح یکی از افسران دایره تجسس با تلفن همراهم تماس گرفت و گفت که ای کلانتری احمدآباد هستند و باید برای پاره ای توضیحات به کلانتری مراجعه کنم. خیلی زود متوجه شدم هر چه هست به کارت بانکی و ماجرای راضیه مربوط می شود و تازه فهمیدم که در چه مخمصه ای گیر افتاده ام. به ناچار به کلانتری آمدم و در دایره تجسس خانمی را دیدم که ظاهرا شاکی پرونده بود. او اظهار کرد همان مبلغی که آن شب به حساب من واریز شده، از ایشان کلاهبرداری شده است که پس از پیگیری از طریق شماره حساب به نام صاحب حساب یعنی من رسیده بودند.... الان هم چند روزی است که از راضیه هیچ خبری ندارم. گوشی اش خاموش است و من به عنوان مظنون اصلی پرونده بازداشت شده ام. ظاهرا شماره کارت دیگری هم که پول ها از حساب من به آن واریز می شده، یک کارت سرقتی بوده که صاحب آن هم از موضوع بی خبر است. ای کاش بتوانم روی مهارت «نه گفتن کار کنم. کاری که مادرم همیشه از من می خواهد و من هیچ وقت نتوانستم آن را انجام بدهم و به همین دلیل بارها ضربه خورده ام. اگر روزی که از من درخواست کارت را کرده بود جواب رد می دادم، الان در گیر این مخمصه نبودم. گزارش روزنامه خراسان حاکی است به دستور ویژه سرگرد علی عسگری (رئیس کلانتری احمدآباد مشهد) تحقیقات نیروهای بده دایره تجسس برای شناسایی و دستگیری اعضای این باند تبهکاری آغاز شده است.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی